حقوق انسان در قرآن

علی پوریا

برای انسان انواع حقوقی ثابت است که هیچ‌کس نمی‌تواند از آن بگذرد و عملی را انجام دهد که این حقوق تضییع شود. از جمله حقوق ثابت برای هر انسان می‌توان به حقوق اقتصادی اشاره کرد. در نوشتار حاضر ویژگی‌ها و اصول حقوق انسان در قرآن و برخی از حقوق اقتصادی متعلق به انسان‌ها بررسی شده است.

***

حقوق اثباتی و حقوق طبیعی انسان

انسان فراتر از جنبه مادی، دارای جنبه‌های دیگری از جمله معنوی است. از این‌رو، نمی‌توان به انسان به‌عنوان یک موجود مادی صرف نگریست و تنها حقوقی را برای جنبه بشری بودن او وضع کرد یا پذیرفت، بلکه باید همه ابعاد انسان را شناخت و حقوق همه جنبه‌هایش را پذیرفت و برای اجرا و تحقق آن تلاش کرد؛ بنابراین باید گفت حقوق انسانی تفکیک‌ناپذیر است.

از نظر آموزه‌های قرآن، حقوق بشر را می‌توان به دو دسته اصلی حقوق تکوینی و حقوق تشریعی تقسیم کرد. حقوق تکوینی همان حقوق انسانی است که هر انسانی به سبب انسان بودن دارا است و نیازی به تشریع و وضع قانونی از سوی هیچ مرجعی نیست؛ زیرا خدا به‌عنوان خالق هستی از جمله انسان‌ها، برای هر آفریده‌ای در چارچوب عدالت ساختاری و سنت‌ها و قوانین حاکم بر هستی، حقوقی را ثابت دانسته است که به هیچ‌وجه نمی‌توان از آن خارج شد؛ چراکه این حقوق ثابت مطابق با واقع و امتیازی است که هر موجود در نظام هستی از آن برخوردار است. به‌عنوان نمونه کرامت انسانی به دو دسته کرامت اکتسابی و غیراکتسابی تقسیم می‌شود؛ زیرا نوعی از کرامت برای همه بشریت حتی در جنبه مادی آن نسبت به دیگر آفریده‌ها ثابت است؛ از این‌رو، هیچ موجود مادی دیگر در سطح کرامتی انسان نخواهد بود؛ لذا خدا می‌فرماید: و به راستی ما فرزندان آدم را کرامت بخشیده و گرامی داشتیم؛ و آنان را در خشکی و دریا بر مرکب‌ها نشاندیم؛ و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری آشکار دادیم.(اسراء، آیه ۷۰)

همین کرامت غیراکتسابی موجب شده تا انسان، دیگر موجودت هستی را به تسخیر خود درآورد؛ زیرا خداوند با این کرامت او را بر همه آنها به‌عنوان خلیفه عمومی خویش برتری بخشیده و سلطه و قدرت انسان را در قالب تسخیر به نمایش گذاشته است. تسخیر آن است که هر کاری را برابر خواسته‌هایی انجام دهد که هماهنگ با اوست. پس انسان، با کرامت طبیعی و الهی خویش، از دیگر آفریده‌ها در راستای نیازهای خویش بهره‌برداری می‌کند. این تسخیر نه‌تنها در سطح آفریده‌های زمینی بلکه در آفریده‌های آسمانی است؛ چنان‌که خدا می‌فرماید: سَخَّرَ لَکُم مَا فِی السّماوَاتِ وَ مَا فِی الأَرْضِ؛ هرآنچه در آسمان و هرآنچه در زمین است برای شما مسخر شده است.(لقمان، آیه ۲۰)

اما انسان افزون بر این حقوق طبیعی، دارای حقوق اکتسابی است که در قالب تشریع برای او اثبات شده و انسان سزاوار آن است. البته از آنجا که همواره قوانین و حقوق تشریعی مطابق قوانین وحقوق تکوینی است(روم، آیه ۳۰) به‌طور طبیعی هرگز بیرون از عدالت و ساختار آن نیست. حقوق اکتسابی با تلاش و کوشش فردی یا جمعی به دست می‌آید، چنان‌که کرامت اکتسابی این‌گونه است: إِنّ أَکْرَمَکُمْ عِنْدَ اللهِ أَتْقَاکُمْ.(حجرات، آیه ۱۳) در این آیه بیان شده که کرامت اکتسابی انسان که موجب برتری از دیگر هم‌نوعان می‌شود، تقوای الهی است. از آنجا که تقوای الهی دارای مراتب گوناگون است، هرکسی در مراتب سه‌گانه کلی تقوای الهی از عام و خاص و اخص، بیشتر کوشش و تلاش کند، از مرتبه عالی‌تر و برتر کرامت در میان همنوعان خود برخوردار می‌شود. با دقت در آیه به دست می‌آید که این برتری در میان همنوعان تنها در سایه تقوای الهی به دست می‌آید؛ در حالی که کرامت و برتری تکوینی نیازی به چنین عواملی نداشته است؛ از طرفی برتری تکوینی تنها در میان انسان‌ها نیست، بلکه نسبت به همه موجودات هستی است.

پس حقوق تکوینی یا حقوق طبیعی، امتیاز و قدرتی است که به کسی یا نوعی از آفریده‌ها داده شده است. این حقوق طبیعی در چارچوب حکمت و عدالت الهی و در راستای اهداف آفرینش است.

بنابراین، کسی نمی‌تواند آن را سلب کند حتی اگر آن سلب‌کننده خود شخص باشد. بنابراین، گذشت و عفو از چنین حقوق طبیعی معنا و مفهومی ندارد و کسی نمی‌تواند بگوید من از حقوق طبیعی انسانی خود چون حق حیات گذشته‌ام.

البته باید توجه داشت که حقوق طبیعی می‌تواند در قالب حقوق تشریعی نیز مورد امضا و تایید و تاکید قرار گیرد؛ ولی این بدان معنا نیست که این حق به‌خاطر قانونگذاری برای انسان، اثبات شده است؛ بلکه حقوق طبیعی، ذاتی و غیرانفکاک برای انسان است.

اما حقوق تشریعی آن دسته از حقوقی است که قانونگذار حقیقی یعنی خدا تشریع می‌کند؛ زیرا براساس آموزه‌های قرآن کسی جز خدا حتی پیامبر(ص) حق تشریع را ندارد. کسی می‌تواند قانونی را وضع کند که ولایت ملکی داشته باشد و تنها آفریدگار و پروردگار هستی است که چنین حق ولایت برای او ثابت است. (یوسف، آیات ۴۰ و ۶۷؛ انعام، آیه ۵۷) اگر در آموزه‌های اسلام از پیامبر اکرم(ص) به‌عنوان شارع یاد می‌شود، به اعتبار ولایتی است که برای ایشان از سوی خدا ثابت شده است.(حشر، آیه ۷) پس ولایت تشریعی پیامبر(ص) ولایت طولی و در مظهریت است، نه در عرض ولایت تشریعی الهی.(آل‌عمران، آیات ۳۲ و ۱۳۲؛ نساء، آیه ۵۹)

بر این اساس، اگر سخن از قانونگذاری کسانی دیگر باشد، یا قانونگذاری باطل و از مصادیق طاغوتی است(نساء، آیه ۶۰)، یا آنکه مراد از آن وضع مقررات برای اجرا و اقامه قوانین الهی است.

با توجه به آنچه بیان شد، معلوم می‌شود که حقوق انسان شامل همه این حقوق تکوینی و تشریعی است. از نظر قرآن، افراد انسانی در اجتماع بر اثر روابط و مناسبات خود یک رشته اختیارات و امتیازاتی را به دست می‌آورند که مجموعه آن را حقوق اجتماعی انسان می‌نامند. این حقوق که در قالب قراردادهای اجتماعی در چارچوب عدالت و قوانین و سنت‌های حاکم بر جهان و جان و جامعه است، مشتمل بر اختیارات مدنی، اجتماعی، سیاسی و همه مزایا و سلطه‌هایی است که از قانون ناشی می‌شود.

بنابراین، اگر تفاوتی میان حقوق انسان از منظر قرآن با گفتمان‌های دیگر از جمله گفتمان اومانیستی غربی وجود دارد، به مبانی حقوق بازمی‌گردد؛ زیرا نگاه قرآن به هستی و جایگاه انسان با نگرش غربی اومانیستی به سبب همان فرق هستی‌شناختی و انسان‌شناختی در بسیاری از موارد در تضاد و تقابل است. از این‌رو با همه اشتراکات ظاهری در الفاظ حقوق بشری، در محتوا و مفاهیم آن تفاوت ماهوی وجود دارد. به‌عنوان نمونه، وقتی در فرهنگ و اصطلاح قرآنی از حق آزادی انسان سخن گفته می‌شود، از نظر مفهومی غیرآزادی به معنای فجور و بی‌بندوباری است که در فرهنگ غربی مطرح است. از نظر قرآن، انسان موجودی آزاد و دارای حق اختیار و انتخاب است؛ زیرا اراده موجب می‌شود تا در هر کاری به اختیار دست به انتخاب بزند و قدرت فعل و ترک فعل را دارا است و کسی نمی‌تواند او را مجبور به انتخاب یکی از دو گزینه کند. اما این قدرت در انجام یا ترک هر کاری محدود به صیانت از قوانین و سنت‌های حاکم بر جان و جهان و جامعه است؛ زیرا هر انتخابی از سوی انسان برای خود و دیگران می‌تواند آثار مثبت یا منفی به‌دنبال داشته باشد (انسان، آیه ۳؛ نمل، آیه ۴۰)؛ چنان‌که بسیاری از انتخاب‌های انسان در قالب کفر و کفران و نادرستی در بهره‌برداری از مواهب الهی موجب فساد در زمین و محیط‌زیست شده است که از نظر قرآن غیرقابل قبول است.(روم، آیه ۴۰)

اگر تفاوتی میان حقوق انسان از منظر قرآن با گفتمان‌های دیگر از جمله گفتمان اومانیستی غربی وجود دارد، به مبانی حقوق بازمی‌گردد؛ زیرا نگاه قرآن به هستی و جایگاه انسان با نگرش غربی اومانیستی به سبب همان فرق هستی‌شناختی و انسان‌شناختی در بسیاری از موارد در تضاد و تقابل است. از این‌رو با همه اشتراکات ظاهری در الفاظ حقوق بشری، در محتوا و مفاهیم آن تفاوت ماهوی وجود دارد.

ویژگی‌ها و اصول حقوق انسان در قرآن

در آیات قرآن به مسائل حقوق انسان به‌ویژه حقوق اقتصادی توجهی خاص شده است. از نظر قرآن، حقوق انسانی دارای ویژگی‌هایی است که باید مدنظر قرار گیرد که از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. تساوی حقوق انسان‌ها: همه انسان‌ها از هر نژاد و رنگ و جنس و مذهبی از حقوق مساوی برخوردارند؛ زیرا همه انسان‌ها از یک حقیقت و جنس بوده و از نظر خلقت برابر و از نظر حقوق اولیه و ابتدایی مساوی هستند. (حجرات، آیه ۱۳) بنابراین کسی نمی‌تواند با نگاهی تبعیض‌آمیز با انسان‌ها در حوزه‌های اجتماعی (قصص، آیه ۸۳)، قضایی و داوری(نساء، آیه ۵۸)، اقتصادی(نساء، آیه ۳۲) عمل کند؛ تساوی زن و مرد در مالکیت و بهره‌مندی از تلاش و کوشش خویش یا بهره‌مندی از ارث براساس موازین تقسیم ارث(نساء، آیات ۱۱ و ۳۲) از جمله این حقوق اقتصادی است.

۲. احترام به حقوق انسان: بر همگان است تا نسبت به حقوق انسان‌ها احترام بگذارند و اجازه ندارند تا به حقوق دیگران تعرض کرده و ظلم و تعدی روا داشته و حقوق آنان را نادیده گیرند.(شوری، آیه ۴۲)

۳. ضامن اجرایی رعایت حقوق دیگران: انسان‌ها باید همان‌طوری که به مراعات از حقوق خویش و مطالبه‌گری نسبت به آن می‌پردازند نسبت به حقوق دیگران نیز اصول شرعی و قانونی را مراعات کنند. زمانی چنین روحیه و رویه‌ای در انسان ایجاد می‌شود که انسان از خدا و قیامت بترسد. از همین‌رو اعتقاد به حسابرسی دقیق خداوند(نساء، آیه ۶) و توجه به کیفر الهی(نساء، آیه ۹)، پشتوانه رعایت حقوق انسان‌ها است. به سخن دیگر، پلیس و دستگاه قضایی و حاکمان به تنهایی نمی‌توانند تامین‌کننده این امر باشند، بلکه ضامن حقیقی، همان اعتقادات و باورهای افراد جامعه است که برترین نگهبان و پاسبان رفتار آدمی است. از نظر قرآن، تقوای الهی یا همان واهمه قدسی مهم‌ترین ضامن اجرایی در حفظ و مراعات حقوق دیگران است(بقره، آیات ۲۳۳ و ۲۴۱ و ۲۸۲) و بر نیکوکاران است تا به این امر اقدام کنند (بقره، آیه ۲۳۶) و حتی نسبت به دشمنان کینه‌توز اصل حقوق انسانی را مدنظر قرار داده و مراعات کنند. (مائده، آیه ۲)

البته آموزش و پرورش و به‌ویژه تحریک عواطف انسانی می‌تواند نقش بسزایی را به‌عنوان ضامن اجرایی داشته باشد؛ از همین‌رو، تحریک عواطف، از روش‌های قرآن برای ترغیب به رعایت حقوق انسان‌های دیگر است. (نساء، آیه ۹)

۴. مجازات تضییع‌کننده حقوق: نه‌تنها باید حقوق انسان‌ها مراعات و مورد احترام باشد، بلکه هرگونه تضییع حقوق دیگران دربردارنده مجازات دنیوی و اخروی است. بر همین اساس تجاوز به حقوق دیگران از جمله حقوق اقتصادی چون ارث، نکوهیده(فجر، آیه ۱۹) و سزاوار پیگیرد و مجازات قانونی است.(شوری، آیه ۴۲)

از نظر قرآن یکی از رفتارهای فسادانگیز و مفسدانه در اجتماع، تضییع حقوق و مزایای انسان‌ها (بقره، آیه ۶۰) است؛ البته در رفتارهای اجتماعی به‌ویژه مشارکت‌های اقتصادی شرایط برای نادیده گرفتن و تضییع حقوق دیگران فراهم‌تر است.(ص، آیه ۲۴)

بنابراین لازم است تا انسان تقوای الهی پیشه گیرد و مواظب باشد کاری نکند که مجازات دنیوی و اخروی به‌دنبال داشته باشد.

۵. صیانت از حقوق انسانی: همگان موظف هستند تا حقوق دیگران را مراعات کنند؛ چنان‌که بر افراد است تا خود در این راه پیشگام بوده و حقوق خود را مطالبه کرده و اجازه ندهند تا دیگران حقوق‌شان را تضییع کنند. (حدید، آیه ۲۵) البته صیانت و حفاظت از حقوق انسانی به‌عنوان یک وظیفه قانونی و رسمی برعهده نهاد قضایی اجتماع و قاضیان و حاکمان است.

از همین‌رو خدا نقش بسزایی را برای حاکمان و قاضیان در حفظ حقوق انسان‌ها در جامعه بیان می‌کند و از آنان می‌خواهد به این وظیفه و تکلیف شرعی و قانونی خود اقدام کنند. (بقره، آیه ۱۸۸) برای صیانت از حقوق باید افراد از شیوه‌های معمول و معقول بهره گیرند که از جمله آنها تنظیم اسناد مالی و شاهد گرفتن بر آن است. (بقره، آیه ۲۸۲)

۶. حدود حقوق انسان‌ها: تعیین حدود و ثغور حقوق انسان برعهده شارع مقدس است و دیگران در این امر ولایتی ندارند. از همین‌رو خدا احکام شرعی را تعیین‌کننده حدود حقوق انسان‌ها و معرفی کرده است. (بقره، آیات ۱۸۷ و ۲۲۹ و ۲۳۰)

۷. دفاع از حقوق انسان: هرکسی باید به دفاع از حقوق انسانی خویش قیام کرده(حدید، آیه ۲۵) و از قضات و حاکمان عادل برای آن بهره برد.(بقره، آیه ۱۸۸) در این میان گاه لازم است تا انسان‌ها هرگز دست از مبارزه و مقابله با متجاوزان به حقوق برندارند و به سخن دیگر، قوامین بالقسط(مائده، آیه ۸) باشند؛ چراکه قیام مداوم، علیه تضییع‌کنندگان حقوق انسان‌ها، راهی برای دفاع از آن است.(آل‌عمران، آیه ۷۵)

۸. عدالت مالی: باید در امور مالی قسط مراعات شده و مومنان در این امر باید قوامین بالقسط باشند (مائده، آیه ۸)؛ چراکه هرگونه تعرّض به حقوق مالی مردم، از مصادیق فساد در زمین است (اعراف، آیه ۸۵؛ هود، آیه ۸۵)؛ بنابراین لزوم مراعات قسط و عدل، در حقوق مالی از واجبات امت و امام است.(همان)

۹. عفو از حقوق اکتسابی: انسان‌ها می‌توانند از حقوق اکتسابی خود بگذرند و نسبت به آن عفو و گذشت داشته باشند؛ اما نسبت به حقوق طبیعی و تکوینی چنین اختیاری ندارند؛ چنان‌که نمی‌توانند از حق حیات خویش بگذرند و یا خود را برده سازند و آزادی حقوقی خود را سلب کنند. از نظر قرآن عفو از حق مالی می‌تواند انسان را به تقوای احسانی و اکرامی که درجات بالای تقوای الهی است برساند.(بقره، آیات ۲۳۷ و ۱۷۸؛ نساء، آیات ۴ و۱۲۸)

کسانی به سلب حقوق دیگران اقدام کرده و ظلم و تعدی روا می‌دارند که به خدا و قیامت کافر هستند. (توبه، آیه ۲۹)

انسان‌ها می‌توانند از حقوق اکتسابی خود بگذرند و نسبت به آن عفو و گذشت داشته باشند؛ اما نسبت به حقوق طبیعی و تکوینی چنین اختیاری ندارند؛ چنان‌که نمی‌توانند از حق حیات خویش بگذرند و یا خود را برده سازند و آزادی حقوقی خود را سلب کنند.

حقوق اقتصادی انسان

از نظر قرآن برای انسان و اجتماع انسانی حقوق تکوینی و تشریعی معینی است که باید آنها را شناخت و برای حفاظت و صیانت از آن تلاش کرد و اجازه نداد کسی خلاف آن عمل کند. از این‌رو خدا می‌فرماید: به‌راستی ما پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آنها کتاب و ترازو را فرود آوردیم تا مردم به عدالت و سهم‌خواهی قیام کرده و به انصاف برخیزند؛ و آهن را که در آن برای مردم خطری سخت و سودهایی است پدید آوردیم تا خدا معلوم بدارد چه کسی در نهان، او و پیامبرانش را یاری می‌کند. آری خدا نیرومندِ شکست‌ناپذیر است.(حدید، آیه ۲۵)

در این آیه خدا در تبیین فلسفه بعثت به این نکته توجه می‌دهد که خدا رسولان و پیامبرانش را برای آشنایی مردم با قوانین مکتوب و موازین عدالت فرستاده است تا مردم ضمن آشنایی با این قوانین و سنت‌های الهی حاکم بر هستی در قالب تکوین و تشریع، خواهان سهمیه خویش از حقوق تکوینی و تشریعی شوند. این بدان معناست که خدا آموزه‌های وحیانی از آدم(ع) تا خاتم(ص) را برای آشنایی مردم با حقوق طبیعی و تشریعی فرستاده است تا با رهبری پیامبران حقوق خویش را مطالبه کنند و حتی در این راه از شمشیر آهنین برای احقاق خویش بهره برند.

براساس تعالیم قرآن از حقوق اقتصادی انسان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. حق ارث: یکی از حقوق اقتصادی افراد، انتقال اموال باقی‌مانده از میت به نزدیکان نسبی و سببی براساس طبقات سه‌گانه ارث است.(نساء، آیات ۷ تا ۱۲ و ۱۹ و ۳۳ و ۱۷۶؛ الرّوضه‌البهیّه، ج۸، ص۱۱) در آیات قرآن و احکام روایی و فقهی به شکل کامل قوانین و چگونگی تقسیم و بهره‌مندی از اموال میت و ترکه او بیان شده است. از نظر قرآن، کسی نمی‌تواند برخلاف این حق تشریعی عمل کند و صاحبان حق را از آن محروم کند؛ چنان‌که در جاهلیت اموال یتیمان را می‌خوردند و حقوق آنان را تضییع می‌کردند. (فجر، آیات ۱۷ و ۱۹)

البته برخی از امور قابل ارث نیست که در جاهلیت به‌عنوان ماترک مطرح بود، مثلاً در جاهلیت همسر میت به‌عنوان ارثیه و ماترک میّت مطرح بود.(نساء، آیه ۱۹) یا آنکه زنان میت را از حق ارث محروم می‌کردند که امری نادرست بود.(نساء، آیه ۷)

۲. حق تغذیه: از حقوق اقتصادی هر انسانی، حق تغذیه است. گرسنگان و بینوایان، دارای حق تغذیه از اموال توانمندان است.(حاقه، آیه ۳۴؛ مدثر، آیه ۴۴؛ فجر، آیه ۱۸؛ بلد، آیات ۱۴ تا ۱۸) بر این اساس، بر مسلمانان و نظام ولایی اسلامی است تا به هر شکلی از نیازمندان دستگیری کند. تامین امنیت غذایی مردم از وظایف امت و دولت است و هیچ‌یک نمی‌تواند از این تکلیف شانه خالی کند؛ زیرا از حقوق طبیعی و تکوینی و تشریعی هر انسانی است تا از تغذیه مناسب برخوردار شود. ایجاد مراکزی برای تامین نیازهای تغذیه با استفاده از اموال عمومی و انفال واجب و لازم است(همان)؛ خدا به کسانی که به این تکلیف عمل نکنند، وعده عذاب داده است، باید دانست که این حق ثابت برای نیازمندان، همه متمکنان از امت و دولت را موظف می‌کند به این تکلیف عمل کنند و امنیت غذایی آنان را فراهم آورند.

۳. حق حضانت: حضانت از کودک دارای ابعادی است که بخشی از آن به حوزه عمل اقتصادی مربوط است. از حقوق کودک حضانت فراگیر و شامل از جمله تامین امنیت غذایی او است که برعهده والدین به‌ویژه پدر و جدِ پدری است.

همچنین والدین از این حق ولایی طبیعی برخوردارند که خود عهده‌دار حضانت کودک خود باشند و کسی نمی‌تواند این حق را از آنان سلب کند. از همین‌رو قرآن، حق حضانت کودک را برای پدر و مادر ثابت می‌داند. (بقره، آیات ۲۳۲ و ۲۳۳؛ طلاق، آیه ۶) بر این اساس تامین غذا و پوشاک کودک و مادر شیرده برعهده پدر است و این وظیفه پس از مرگ شوهر به وارثان منتقل می‌شود.(همان)

۴. حق مهریه: از حقوق اقتصادی زنان حق مهریه است. بر شوهر و صاحبان ولایت است که مهریه زنان را چنان‌که در قرآن و روایات آمده بپردازند و آن را تضییع نکنند. از نظر قرآن، حتی در ازدواج موقت نیز این حق در قالب اجرت برای زنان ثابت است.(نساء، آیات ۲۴ و ۲۵)

۵. حق آوارگان: از حقوق آوارگان تامین نیازهای اقتصادی آنان از سوی امت و امام و نظام ولایی سیاسی است.(حشر، آیات ۷ و ۸) براساس این آیات، آواره‌شدگان بناحق از وطن، به سبب اخراج و تبعید، مستحقّ استفاده از اموال عمومی خواهند بود و یکی از مصارف اموال عمومی، مخارج آوارگان است.

۶. حق در راه ماندگان: همچنین کسانی که در سفر از پرداخت هزینه‌های بازگشت خویش عاجز هستند، مستحق استفاده از اموال عمومی هستند.(حشر، آیات ۷ و ۸)

۷. حق استفاده از طبیعت: هر انسانی از این حق تکوینی و تشریعی برخوردار است که از طبیعت و مواهب آن بهره‌مند شود.(بقره، آیات ۲۲ و ۲۹؛ اعراف، آیات ۱۰ و ۳۲) بنابراین ثروت‌ها و منابع طبیعی نباید منحصر در دست افرادی باشد و قدرت و ثروت نمی‌تواند عامل باشد که دیگران از حق طبیعی خود محروم شوند.(حشر، آیه ۷)

۸. حق تجارت: حق آزادی تجارت، برای مرد و زن امری ثابت است(نساء، آیه ۳۲) و انسان‌ها تنها از طریق مشروع می‌بایست به تجارت بپردازند؛ زیرا کسب‌های نامشروع، مخالف حقوق انسان‌ها و تجاوز به آن است؛ چنان‌که کسب ربوی و یا کاهش و افزایش پیمانه در راستای کم‌فروشی و گران‌فروشی و گزاف‌فروشی به‌عنوان ضدحقوق انسانی در عمل اقتصادی مطرح و ممنوع شده است.(بقره، آیات ۱۸۸ و ۲۷۵ و ۲۷۸؛ آل‌عمران، آیه ۱۳۰؛ مطففین، آیات ۱ تا ۳؛ نساء، آیه ۱۶۱)

۹. مالکیت: هر انسانی، دارای حق ملکیت مشروع است(بقره، آیات ۱۸۸ و ۲۶۱و ۲۷۴ و ۲۷۹؛ نساء، آیه ۵) و مالکیت انسان بر دام‌ها(شتر، گاو و گوسفند) و بهره‌برداری از آنها، از حقوق پذیرفته‌شده در اسلام بوده(نازعات، آیه ۳۳؛ عبس، آیه ۳۲) و هر شخصی، از حق قرارداد در محدوده مالکیت خویش برخوردار است(مائده، آیه ۱) و از همین‌رو، امکان انفکاک حق مالکیت از حق تصرف ثابت شده است.(نساء، آیه ۶؛ اسراء، آیه ۳۴) به این معنا که گاه مثلا ثبوت حق مالکیت، برای افراد نابالغ مطرح است(نساء، آیات ۲ و ۶؛ اسراء، آیه ۳۴) اما این حق مالکیت به معنای حق تصرف نیست.

۱۰. حق مسکن: از مهم‌ترین حقوق اقتصادی انسان می‌توان به حق مسکن در کنار حق تغذیه اشاره کرد که تامین‌کننده دو جنبه امنیت غذایی و آسایشی اوست. از نظر قرآن هرکسی به‌طور طبیعی از حق مسکن همچون حق تغذیه برخوردار است و در صورت ناتوانی باید از سوی امت و امام تامین شود.(بقره، آیات ۸۴ و ۲۴۶؛ حج، آیه ۴۰) این حق به‌ویژه برای مستحقان انفال و بیت‌المال ثابت است و باید دولت از اموال عمومی به این امر اقدام کند.(حشر، آیات ۷ و ۸)

۱۱. حق دولت از اهل ذمه: در برابر تامین امنیت اهل کتاب به‌عنوان شهروندان امت اسلام، حقی برای دولت اسلام به‌عنوان حق مالی ثابت است که برعهده آنان خواهد بود.(آل‌عمران، آیات ۱۱۰ تا ۱۱۲؛ توبه، آیه ۲۹)

۱۲. حق اقتصادی بدهکاران: بدهکاران، دارای حقی از سهم زکات، برای ادای بدهی خود هستند. بنابراین، دولت و امت باید این حق را ادا کنند.(توبه، آیه ۶۰)

۱۳. حق بردگان: بردگان، دارای حقی از زکات، برای آزادسازی آنان هستند(توبه، آیه ۶۰) و بر امت و امام حفظ حقوق اجتماعی و اقتصادی بردگان لازم و ضروری است. (نساء، آیات ۲۵ و ۳۶)

از نظر قرآن یکی از رفتارهای فسادانگیز و مفسدانه در اجتماع، تضییع حقوق و مزایای انسان‌ها است؛ البته در رفتارهای اجتماعی به‌ویژه مشارکت‌های اقتصادی شرایط برای نادیده گرفتن و تضییع حقوق دیگران فراهم‌تر است. بنابراین لازم است تا انسان تقوای الهی پیشه گیرد و مواظب باشد کاری نکند که مجازات دنیوی و اخروی به‌دنبال داشته باشد.

۱۴. حقوق دوستان: دوستان دارای حقوقی از جمله حقوق اقتصادی هستند که شامل استفاده از خوراکی‌های موجود در منازل دوستان، بدون اذن آنان است.(توبه، آیه ۶۱)

۱۵. حق خویشان: افزون بر حقوق خویشان از ارث، همچنین آنان در استفاده از خوراکی‌های موجود در منازل خویشان، بدون اذن آنان مجاز هستند.(همان)

۱۶. حق طلبکار: همان‌طوری که برای بدهکار حقی است برای طلبکار نیز حقی است که از جمله حقوق اقتصادی او، تنظیم اسناد بدهی بدهکار به نفع طلبکار است.(بقره، آیه ۲۸۲)

۱۷. حق فرزندی: از حقوق فرزندی غیر ارث، بهره‌مندی از حق تامین غذا و پوشاک و مسکن است.(نساء، آیات ۹ و ۱۱؛ بقره، آیه ۲۳۳؛ طلاق، آیه ۶)

۱۸. حق کارگزاران زکات: کارگزاران زکات، دارای حقی از زکات هستند.(توبه، آیه ۶۰) به نظر می‌رسد که کارگزاران حکومت و ارائه‌کنندگان خدمات به جامعه اسلامی دارای استحقاق دریافت اجرت در قبال عمل خویش براساس همین آیه هستند.

۱۹. حقوق سائلان و محرومان: سائلان و محرومان در هر مالی که در دست مردم است، حقی دارند و باید از سوی دارندگان به این افراد داده شود.(معارج، آیات ۲۴ و ۲۵؛ ذاریات، آیه ۱۹)

۲۰. حقوق مستضعفان: مستضعفان جامعه دارای حقوق خاص خویش از جمله حقوق اقتصادی هستند که باید از سوی مردم و اولیای امور تامین شود.(نساء، آیه ۱۲۷)

اعتقاد به حسابرسی دقیق خداوند و توجه به کیفر الهی، پشتوانه رعایت حقوق انسان‌ها است. پلیس و دستگاه قضایی و حاکمان به تنهایی نمی‌توانند تامین‌کننده این امر باشند، بلکه ضامن حقیقی همان اعتقادات و باورهای افراد جامعه است که برترین نگهبان و پاسبان رفتار آدمی است.

ویژگی‌های حیرت‌انگیز امام خمینی از زبان شهید مطهری

در سفری که به پاریس رفتم چیزهایی از روحیه این مرد کشف کردم که نه تنها برایمان من بلکه بر حیرت من افزود.

وقتی که برگشتم رفقا پرسیدند چه دیدی؟ گفتم چهارتا «آمَنَ» دیدم:

«آمَنَ بِهَدَفِهِ»، به هدفش ایمان دارد. دنیا جمع بشوند نمی‌توانند او را از هدفش منحرف کنند.

«آمَنَ بِسَبیلِهِ»، به راهی که برای هدف خودش انتخاب کرده ایمان دارد، امکان ندارد او را از این راه منصرف کرد؛ شبیه همان ایمانی که پیغمبر به هدفش و به راه خودش داشت. «آمَنَ بِقَوْمِهِ»، من دیدم در همه رفقا و دوستانی که من سراغ دارم احدی به اندازه ایشان به روحیه مردم ایران ایمان ندارد. افرادی به ایشان می‌گویند کمی آرام‌تر، مردم سرد می‌شوند، مردم از پا درمی‌آیند. می‌گوید مردم این طور نیستند که شما می‌گویید، من مردم را از شما بهتر می‌شناسم.از همه بالاتر: «آمَنَ بِرَبِّهِ»، در جلسه خصوصی، ایشان به من گفت: «فلانی این ما نیستیم [که این نهضت را ایجاد کرده‌ایم،] من دست خدا را حس می‌کنم.» آدمی که دست خدا و عنایت خدا را حس می کند و در راه خدا قدم برداشته، مصداق آن اصل قرآنی است:«انْ تَنْصُرُوا اللهَ یَنْصُرْکُمْ»(محمد، آیه ۷)تو اول یک قدم به طرف خدا بردار، خدا به تو عنایت می‌کند. آیه دیگر: «انَّهُمْ فِتْیَه آمَنوا بِرَبِّهِمْ وَ زِدْناهُمْ هُدًی وَ رَبَطْنا عَلی قُلوبِهِمْ اذْ قاموا...»(کهف، آیه ۱۳)

راجع به اصحاب کهف می‌گوید جوانمردانی بودند، به پروردگارشان ایمان آوردند، اعتماد و تکیه کردند، خدا هم بر بینش آنها افزود. آنها برای خدا قیام کردند، ما هم دل آنها را محکم کردیم.

این را من در این مرد می‌بینم. برای خدا قیام کرده و خدای متعال یک قلب قوی به این مرد داده که اصلا تزلزل، ترس، بیم در این دل راه ندارد.

اطبای فرانسه اخیرا قلب این پیرمرد ۷۸ ساله را که پانزده سال است حداقل دچار جنگ اعصاب است و جوانی آنچنان برومند(اشاره به وفات مشکوک مرحوم سید مصطفی خمینی) را در یک سال و نیم پیش از دست داده معاینه کردند گفتند قلب جوان بیست ساله است.

*** مجموعه آثار استاد شهید مطهری (آینده انقلاب اسلامی ایران)، ج۲۴**
صص: ۱۳۳-۱۳۲- با تلخیص و ویرایش

چراغ راه

لزوم تمسک به قرآن برای برون‌رفت از فتنه‌ها

قال النبی(ص): «اذا التبست علیکم الفتن کقطع اللیل المظلم، فعلیکم بالقرآن».

پیامبر اکرم(ص) فرمود: هرگاه فتنه‌ها به شما رو آورد، و محیط جامعه مانند شب تاریکی سیاه گردد، پس بر شما باد تمسک به قرآن.[1]

۱- الکافی، ج۲، ص۲۳۸

حکایت خوبان

نفی غرور علمی و طلب ارتقای معرفة الله

حضرت موسی(ع) با مقام بزرگ نبوت، قناعت به آن مقام نکرد، و به مقام شامخ علم خود وقوف نفرمود، آن حضرت به مجرد آنکه شخص کاملی را مثل حضرت خضر ملاقات کرد. با آن تواضع و خضوع گفت: هل اتبعک علی ان تعلمن ممّا علّمت رشداً». اجازه می‌دهید دنبال شما بیایم؟ می‌خواهم از حقایقی که به شما آموخته‌اند و مایه رشد است به من هم یاد بدهید.[1] و ملازم خدمت او شد تا علومی که باید استفاده کند فرا گرفت. حضرت ابراهیم(ع) به مقام بزرگ ایمان و علم خاص به انبیاء قناعت نکرد و به خدا عرض کرد: «رب ارنی کیف تحیی الموتی» پروردگارا! به من نشان بده مردگان را چگونه زنده می‌کنی؟[2] از ایمان قلبی خواست ترقی کند به مقام اطمینان شهودی. بالاتر آنکه خدای تبارک و تعالی به جناب ختمی‌مرتبت دستور می‌دهد به کریمه شریفه «و قل رب زدنی علماً» و بگو! پروردگارا علم مرا زیاد کن.[3]

۱- کهف- ۶۶
۲- بقره- ۲۶۰
۳- آداب‌الصلوة، امام خمینی(ره)، ص۱۹۶

پرسش و پاسخ

موانع و حجاب‌های فهم قرآن (۱)

پرسش:

چرا تأثیرپذیری رفتاری از قرآن در میان مسلمانان در حد مطلوب نیست و بسیاری از آنها آموزه‌ها و حقایق قرآن را اساساً به گونه‌ای نمی‌شناسند که رفتارشان را متحول کرده و سبک زندگی قرآنی را الگوی عملی خود قرار دهند؟

پاسخ:

مهجوریت قرآن

شکی نیست که امروزه آموزه‌های وحیانی قرآن، در ساحت رفتاری مسلمانان، جلوه‌ای آشکار و بروز و ظهور خارجی در سلوک رفتاری آنان ندارد. تجربه عینی کشورهای اسلامی این واقعیت تلخ و دردناک را به وضوح نشان می‌دهد. یکی از مهم‌ترین موانع و حجاب‌ها در این رابطه، مشکل فهم قرآن و سپس به‌کارگیری آن در ساحت عملی و رفتاری است. شهید مطهری(ره) در این زمینه می‌گوید: «ما امروز از این نسل گله داریم که چرا با قرآن آشنا نیست؟ چرا در مدرسه‌ها قرآن یاد نمی‌گیرند،حتی به دانشگاه هم که می‌روند، از خواندن قرآن عاجزند؟ البته جای تأسف است که این طور است! اما باید از خودمان بپرسیم ما تاکنون چه اقدامی در این راه کرده‌ایم؟ آیا با همین فقه و شرعیات و قرآن که در مدارس است، توقع داریم نسل جوان با قرآن آشنایی کامل داشته باشند؟ عجب که خود نسل قدیم قرآن را متروک و مهجور کرده، آن وقت از نسل جدید گله دارد که چرا با قرآن آشنا نیست؟! قرآن در میان خود ما مهجور است، و (آن وقت) توقع داریم، نسل جدید به قرآن بچسبد» (ده گفتار، شهید مطهری(ره)، ص ۲۲۱)

سؤال اصلی در این‌